

درباره جایگاه و سهم شادروان استادمان کریم امامی در قلمرو نشر و ویرایش چند نکته را به اختصار اشاره وار به عرض می‌رسانم. تفصیل بیشتر را در دو مقدمه کتابهایی که اخیراً از او انتشار یافته است، می‌توانید ملاحظه بفرمایید. کریم امامی در ۱۳۴۷ از حوزه روزنامه‌نگاری و نقد هنری به قلمرو نشر و ویرایش مهاجرت کرد و تا پایان عمر در این عرصه ماندگار شد، اما از تجربه‌های پیشینش نگسست و آموخته‌ها و اندوخته‌های روزنامه‌نگاری، ترجمه و نقد را به خدمت کتابدگی گرفت (کتابدگی، اصطلاحی است که او ساخته است و او گاه خود را کتابنده می‌نامید. «کتابنده» تغییر یافته «ک: تابنده» نام مستعار اوست).

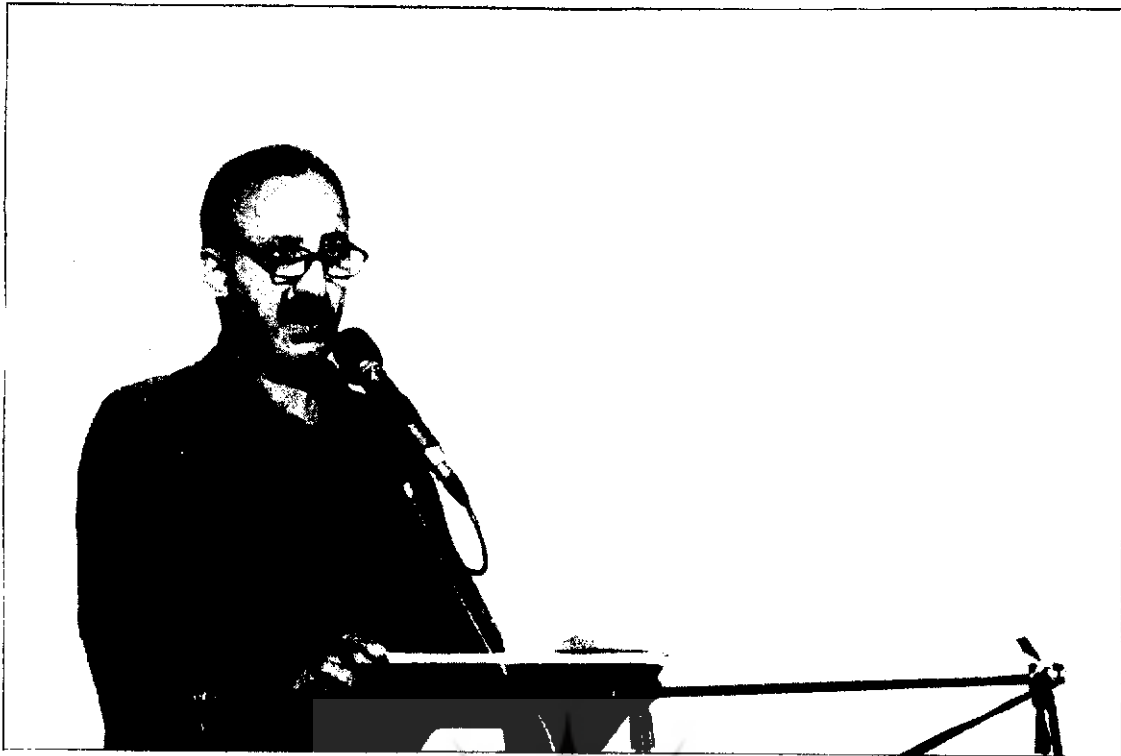
کریم امامی چند گاهی ویراستاری کرد، اما به لحاظ تسلط چشم‌گیرش به زبان انگلیسی، برخورداری از هوش و حافظه کم‌نظیر، دقت و امانت فوق‌العاده و توانایی‌های ذهنی و شخصیتی دیگر و تسلطی که به سرعت بر جنبه‌های تولید کتاب یافته بود، مدیر ادیتوریال، و به اصطلاح امروز مدیر ویرایش‌گاه یا بخش ویرایش و تولید فرهنگی موسسه انتشارات فرانکلین شد که در آن زمان تنها تشکیلات سازمان یافته و منسجم تولید کتاب بر پایه معیارهای نزدیک به ضوابط حاکم بر موسسه‌های انتشاراتی بود. البته آن تشکیلات به سبب بدی مدیریت و دور شدن از اصول نخستین خود درست کار نمی‌کرد و کریم امامی به رغم چند مانع بزرگ، در مدت نسبتاً کوتاهی توانست تشکیلات را کد و عاطل را به کار بیاورد و سپس با جذب و پرورش شماری

علاقه‌مند، محیط را برای تولید کتاب بر پایه استانداردهای جهانی، در کشورهای در حال توسعه یا نزدیک به آن، فراهم سازد. امامی در حوزه‌ای که کار می‌کرد استاندارد گرا بود و استاندارد گرایان، همگی و هر کجا که هستند، خود را عموماً ملزم می‌بینند قوانین و ضوابط را بر کار حاکم کنند و پیداست که این التزام، نخست از همه خود را در حوزه مدیریت نشان می‌دهد، و نیک پیداست که کارگرایان، کارشکنان و زد و بندچی‌ها نتوانستند با امامی کار کنند، یا اینکه دشمن او شدند؛ هر چند که امامی اساساً اهل درگیری و برخورد نبود و تا می‌توانست تنش را از محیط کار دور می‌کرد.

به هر ترتیب او پس از مدتی توانست در نشر آثار مؤسسه متبوعش تحولی به وجود آورد که اگر ویژگی‌های این تحول را بازشناسیم و کنار هم قرار بدهیم، پدیده‌ای ظاهر می‌شود که شاید بتوانیم عنوان «مکتب امامی در نشر» یا عنوان متواضعانه‌تر «اسلوب یا سبک امامی در نشر» را بر آن بگذاریم. عناصر اصلی به کار گرفته شده در این مکتب یا اسلوب، عبارت است از دقت فنی و گاه افراطی در جزئیات، کمال‌جویی تا سر حد استانداردهای جهانی نشر، ذوق سلیم و فهم متعارف، هنر و معیارهای زیبایی‌شناختی، گاه ابتکار و نوآوری، توجه به جنبه‌های کاربردی و برخی نکات ریز دیگر.

در نشر ایران چند مکتب یا اسلوب به وجود آمده است و در دو دهه اخیر بر شمار استادان صاحب سبک افزوده شده است، اما ترکیبی که در کریم امامی جمع بود و آن آمیزه دقت علمی، وسواس وجدان کاری و ذوق هنری را، همراه با توجه به روندهای جهانی، به راستی کم‌تر می‌توان یافت. نگرانی مداوم او به لحاظ آشنایش با سیر جهانی نشر و مقایسه‌هایی بود که به عمل می‌آورد. و حالا که یک سال است از میان ما رفته است و جای خالی او در این عرصه بیش‌تر حس می‌شود، این پرسش آزردهنده باز هم در ذهن تکرار و تکرار می‌شود که نظام آموزشی ما چگونه می‌خواهد جای استادی را با آن توانایی‌های چند وجهی پر کند؟

پس از درگذشتش، او را بسیار ستودند و القابی مانند «پدر نشر کتاب»، «بنیان‌گذار ویرایش علمی» و مانند اینها به او دادند. این القاب بر قدر امامی نمی‌افزاید، زیرا با واقعیت مطابقت ندارد. نشر ایران یک مادر وفادار دارد و چندین و چند پدر و ناپدری و امامی تا آنجا که اسناد رسمی ازدواجش نشان می‌دهد، جزو همسران آن مادر وفادار نبوده است. او نه بنیان‌گذار ویرایش است و نه پایه‌گذار ویرایش علمی. و اصلاً معلوم نیست اصطلاحات «ویرایش علمی» و «ویرایش فنی» را چه کسانی و به چه منظورهایی و برای چه استفاده‌هایی ساخته و بر سر زبان‌ها انداخته‌اند. القاب نابجا، جایگاه حقیقی امامی را در نشر و ویرایش کشورمان مخدوش می‌کند. امامی ۳ دوره در نشر و ویرایش عملی فعال بوده است: حدود ۷ سال در موسسه



● عبدالحسین آذرنگ در مراسم سالگشت درگذشت کریم امامی

انتشارات فرانکلین که به ویژه به سبب بهره‌مندی از همکاری جمعی خُبره و زُیده توانست مکتب یا اسلوبی را که اکنون به نام او نام‌گذاری می‌کنیم، تکوین ببخشد. حدود ۳ سال در انتشارات سروش که نزدیک به ۲ سال آن با رویدادهای انقلاب مقارن بود و مانند سایر مدیران عملاً نمی‌توانست واحد تابعش را به کار بیاندازد، اما به رغم این، طرح‌های بنیادی که برای تربیت ویراستار، ساماندهی نظام‌مند مؤسسه انتشاراتی دولتی، مطالعه علمی در توان تولید فنی و چاپی کشور برای تصمیم‌گیری صحیح درباره تجهیزات و ماشین‌های چاپ و نظام و روش بخشیدن به مراحل تولید کتاب در نشر دولتی به کار گرفت، از جنبه‌هایی است که اگر درست شناخته و بازگو می‌شد، سهم واقعی امامی را در مدیریت و برنامه‌ریزی نشر نشان می‌داد. به طور قطع نخستین دوره روش‌مند تربیت ویراستار را او به راه انداخت و کوشید از میان مستعدترین داوطلبان کار در انتشارات سروش، بهترین‌ها را برای ویراستاری و کار در مؤسسه انتشاراتی تربیت کند.

شادروان کریم امامی از ۱۳۵۸ و با همکاری و همفکری همسرش گلی امامی، انتشارات و کتابفروشی زمینه را تاسیس کردند. زمینه به سبب دشواری‌های اقتصادی، بیش از چند کتاب منتشر نکرد و کتاب‌هایی هم که برای بخش خصوصی انتشار داد در شبکه توزیع پخش نشد، اما همین چند کتاب برای مطالعه دقیق در چند و چون مکتب یا اسلوب امامی در نشر کفایت

می‌کند. در ضمن ابتکاراتی که در کتابفروشی زمینه، به ویژه برای برقراری ارتباط اندام‌وار با مخاطبان خاص کتابفروشی محله به کار گرفته شد، نکته‌های قابل تامل و مطالعه‌ای در خصوص ارتباطات انسانی مستقیم میان کتابفروش محله با جامعه و محیط خاص خود دارد و این جنبه هم سهمی است که امامی‌ها در سنت کتابفروشی در ایران دارند.

کریم امامی به عنوان مشاور انتشاراتی، در نشر شمار قابل توجهی اثر سهم دارد که به جاست، ناشران این گونه آثار خود جداگانه و از باب ادای حق او به آن اشاره کنند. در تکوین بحث شیوه‌نامه (House style) برای نشر ایران و ویراستاری در زبان فارسی زحمات نافرجام بسیاری کشیده است که اگر روزی شیوه‌نامه جامع و موثقی به زبان فارسی انتشار یابد، سهم او در آن آشکار خواهد شد فقط اجمالاً عرض کنم که شیوه‌نامه در نشر، حکم قانون اساسی را در عرصه حکومت دارد و تا شیوه‌نامه مقبولی انتشار نیابد که اکثر ناشران و پدیدآورندگان و ویراستاران بر سر آن توافق کنند، زمینه‌های اختلاف نظرهای صوری در نشر از میان نمی‌رود.

در عرصه طرح درست حق و حقوق در نشر، که قوانین کپی رایت بارزترین جنبه آن است، بسیار اخلاقی، انسانی و شجاعانه عمل کرد و در عوض ناسزاها شنید و اتهام‌ها بر او وارد شد، اما اگر روزی ایران به سازمان جهانی تجارت (WTO) بپیوندد که یکی از شرایط آن، اجرای موازین کنوانسیون‌های کپی رایت است، آن‌گاه بحث‌هایی که کریم امامی درباره کپی رایت مطرح کرده است معلوم خواهد کرد که آینده نگر و مدافع حق چه کسی بوده و اکنون نگران و مصلحت اندیشان و ابن الوقت‌ها چه کسانی.

در حوزه نظری نشر و ویرایش، سهم کریم امامی شاید به اعتباری چشم‌گیرتر باشد. او از حدود ۱۳۵۰ با همان نام مستعار ک. تابنده و در نشریه کتاب امروز نوشتن درباره اوضاع نشر در ایران را با استفاده از تجربه‌های روزنامه‌نگاریش و همراه با طنز و شوخ طبعی خاص خودش و با زبانی ساده و لحنی خوشایند آغاز کرد که گام تازه‌ای در طرح مسائل نشر بود. اما تا پایان زندگیش به نوشتن انواع مقاله و یادداشت و انجام گفت و گو درباره جنبه‌های مختلف نشر و ویرایش ادامه داد و مجموعه‌ای از این نوشته‌ها را در کتاب درگیر و دار نشر (تهران، نیلوفر، ۱۳۸۵) می‌بینید این کتاب که مطمئناً به زودی به متن درسی یا کمک درسی دوره‌های نشر و ویرایش تبدیل خواهد شد، دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، دل‌سوزی‌ها و دقت‌های خاص نویسنده خبیر بصیر از صحنه رانده شده‌ای را تصویر می‌کند که شاید بتوان بر این اساس او وعده اندک شمار همدل با او را «وجدان کتاب» در جامعه ما نامید. امامی بی‌آنکه مسئولیتی داشته باشد یا کسی از او بخواهد، در حوزه نشر و ویرایش - در کنار چند حوزه دیگر - اندیشید و تأمل کرد و حاصل آن را با ساده‌ترین زبان و به سهل‌ترین شیوه ممکن با کتاب دوستان کشور، و بی‌اجر و مزد، در میان گذارد. کریم امامی به

تاریخ پیوسته است و میراث فرهنگی بر جای مانده از او را در یک یا چند نشست نمی توان با دقت و اصاف کافی تعیین کرد. دوستان صاحب نظر در این مجلس به جنبه های مختلف میراث ارزشمند او خواهند پرداخت، اما امیدوارم سهم واقعی و کم نظیر شادروان کریم امامی در تاریخ و تحول نشر در ایران، در آینده و با بحث و فحص و جست و جوی های دقیق تر تعیین شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی